

دفتر فرنگ رضا اسپیلی

۲۱

اشاره‌ی به:

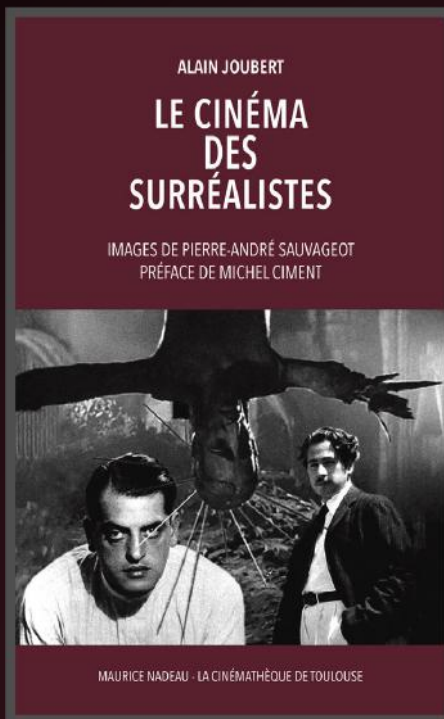
سینمای سوررئالیستی، پیر آندره سوواژو، فوتوکولاژ، لویی
بونوئل، میشل زمباکا، ژان لویی بدوئن، فیلم اختراع جهان،
بنژامن پره، آلن (میشل شارتیه)، کتاب عناصر فلسفه، نوآم
چامسکی، تاملاتی در باب آنارشیزم، دانیل گرن، رودلف
روکر، باکونین، کمون پاریس، کتاب هنرهای بدوی و مردمی
برزیل

برادران مارکس، استنلی کوبریک، اسوالد د آندراده، مانیفست
آدمخواری، آنتروپوفاژ، تارسیلا د آمارال، تابلوی آباپورو،
کارلوس دروموند د آندراده، امانوئل مکرون، ژک رانسیر،
آندره برتون، تریستان تزارا، فرانسیس پیکابیا، آمازون، زبان
توپی، بومی‌های توپینامبا، تروتسکی، ادبیات و انقلاب، کلود
لوی-استراوس، استوایهای غمگین (*Tristes tropiques*)

جامعه‌ی فرانسه از دیرباز مأمن پرجنب و جوش هنرها و علوم بوده است. چه بسیار جنبش‌ها و سبک‌های ادبی و هنری و علمی که از این کشور برخاسته‌اند. گذر روزگار از شدت و حدت این جنب و جوش نکاسته است.

نگارنده‌ی این ویژه‌ها که به مرور منتشر و با عنوان «دفتر فرنگ» به شما تقدیم می‌شود، مانند هر ذهن مشتاق و جست‌وجوگری، از دیدن این پویایی به شعف آمده و خوش‌تر آن دید که شادمانی‌ش را با ذهن‌های بی‌شمار مشتاق و جست‌وجوگر در ایران شریک شود.

نوشته‌ها به اختصار به معرفی رمان‌ها، کتاب‌ها (بیشتر در زمینه‌ی علوم انسانی و ادبیات و هنرها) و فیلم‌ها می‌پردازند. گاه به نکته‌های مشترک دو یا چند کتاب یا یک کتاب و یک فیلم در قالب یک نوشته اشاره شده. در همه‌ی موارد کوشش شده تا اختصارِ متن حفظ شود اما نکته‌های مهم و اساسی آثار از قلم نیفتند. گمان می‌رود که بیشتر آنچه در اینجا معرفی می‌شود به فارسی ترجمه نشده باشد اما این چیزی را تغییر نمی‌دهد، چراکه هدف آشنایی خواننده‌ی ایرانی با نبض‌تپنده‌ی فرهنگ در یکی از کانون‌های فرهنگی امروز دنیاست. چه بسا از این رهگذر نکته‌یی در ذهنی یا شوقی در جانی برانگیزد. اگر اندکی از پویایی فضای اینجا به آنجا منتقل شود که چه بهتر!



Alain Joubert, *Le cinéma des surréalistes*, Éditions Maurice Nadeau - La Cinémathèque de Toulouse, Paris-Toulouse, 2018.

کتاب

کتاب که سفری است دلنشین به دنیای فیلم‌های محبوب سوررئالیست‌ها، یک امتیاز بزرگ دیگر هم دارد و آن مزین شدن به فتو کولاژهای پیر آندره سوواژو (Sauvageot) است که در روح‌افزایی و خیال‌پروری دست‌کمی از شعرهای سوررئالیستی ندارند و من چند تایی‌شان را اینجا گذاشته‌ام. اگر حدس زده‌اید که سینمای لویی بونوئل باید جای درخوری در بحث‌های مطرح شده در کتاب داشته باشد درست حدس زده‌اید، یک بخش کامل از بخش‌های متنوع کتاب به سینمای بونوئل اختصاص دارد. بخش‌های دیگر کتاب بر مبنای مفاهیم جنبش سوررئالیستی قسمت‌بندی شده‌اند: ناخودآگاه، شورش، طنز سیاه، عشق سرکش، اسطوره، اروس و تاناتوس و... عناوین این بخش‌ها هستند. در حدود ۱۶۰ فیلم در این کتاب بررسی شده‌اند که در میان‌شان به آثاری از سینماگران نامداری همانند برادران مارکس و استنلی کوبریک و ... بر می‌خوریم. هرچند کتاب اساساً به فیلم‌های مورد علاقه‌ی سوررئالیست‌ها پرداخته اما اشاره‌اش به بعضی فیلم‌هایی که سوررئالیست‌ها خودشان ساخته‌اند، به نظر من نقطه‌ی قوت آن است، بویژه آنجا که از کار درخشان میشل زمباکا و ژان لویی بدوئن، اختراع جهان یادی می‌کند. فیلم ساخته‌ی سال ۱۹۵۲ است و متن آن را بنژامن پره، شاعر سرکش و شورشی سوررئالیست نوشته است.

Alain Éléments de philosophie



folio essais

آلن، آموزگار فلسفه، شاید مشهورترین آنان در فرانسه، با نام اصلی امیل شارتییه (۱۸۶۸-۱۹۵۱)، کتاب عناصر فلسفه ی خود را با این عبارات به پایان می‌رساند: «... چه بسا اشکال قوانین اساسی دموکراتیک در آن تایید معنوی باشد که قدرت زیادی به رئیس دوست‌داشتنی و معمولاً نه‌چندان خودکامه می‌دهد. شهروند ساده‌لوحانه به کسی اعتماد می‌کند که اعتراف کرده بدون آن اعتماد چیزی نیست. فقط بعد از آن است که قدرت می‌آید و ستایش‌ها که نثار می‌شود. در واقع حاکمیت دین است که بازگشته است زیرا خدایان بیشتر از یک شکل دارند؛ این آشفتگی بین امر معنوی و امر دنیوی هر رژیم سیاسی را [وگرچه دموکراتیک] ضایع می‌کند...».

و این البته ضعف دموکراسی موجود یا آن نوعی از دموکراسی است که از سپیده‌دم انقلاب فرانسه به دموکراسی بورژوایی یا دموکراسی نمایندگی ملقب گشت؛ دموکراسی که بورژوازی از انقلاب برآمده آن را برای جلوگیری از شکل‌گیری نوع دیگر دموکراسی، دموکراسی مردمی یا دموکراسی شورایی، شکل داد، برایش نظریه ساخت، و با تشکیل پارلمان و قدرت متمرکز در ریاست جمهوری آن را به شکل مسلط دموکراسی تبدیل کرد تا به مرور زمان آن را تنها شکل دموکراتیک حکومت بر جامعه و در نتیجه بهترین نوع حکومت بشری جا بزند. البته که دموکراسی حتا به این شکل از هر نوع حکومت دیگری که بشر تا به حال تجربه کرده بهتر است اما این تمام ماجرا نیست. امانوئل مکرون، رئیس جمهور کنونی فرانسه که از تمام ظرفیت‌های ریاستی شخص رئیس جمهور تصریح شده در قانون اساسی جمهوری فرانسه استفاده می‌کند، امری که تا پیش از او در نزد روسای جمهور فرانسه اتفاق نیفتاده بوده است، اتفاقاً ضعف‌ها و کمبودهای دموکراتیک آن را آشکار می‌نماید آنجا که نشان می‌دهد دایره‌ی قدرت فردی رئیس جمهور تا کرانه‌ی خودکامگی کشیده می‌شود. او با رای مردم تایید معنوی خود را به عنوان رئیس از آنها گرفته و خود را محق می‌داند از اختیارات قانونی خود، گرچه مردم به شدت با برخی از آنها مخالف باشند و در نتیجه خودکامه به نظر برسند نهایت استفاده را بکنند تا دوره‌ی ریاست او به سر آید. آنچه مکرون با استفاده‌ی حداکثری از اختیارات خود با دموکراسی فرانسه می‌کند، چه بسا شکل دموکراسی را در فرانسه برای همیشه به سوی شکل‌های دموکراتیک‌تر به معنای مردمی آن، یعنی حکومت مردم بر مردم از سوی مردم، نزدیک‌تر و از شکل کنونی بورژوایی آن دورتر کند. بله، دموکراسی هم می‌تواند دموکراتیک‌تر شود.

برای اشاره‌ی به دموکراسی مردمی، آن‌گونه که خواسته‌ی ساکنان پاریس بود، در بطن انقلاب فرانسه نک. دفتر فرنگ شماره ۱۵، یادداشت مربوط به ژک رانسیر، به نشانی: rouzgar.com/dd/df/15/6



rouzgar.com/208/

نوآم چامسکی، کتاب مختصری دارد با عنوان تأملاتی در باب آنارشیزم. او این کتاب را در معرفی و شرح اثر دانیل گرن نوشت. عنوان کتاب دانیل گرن *L'Anarchisme* است که انتشارات گالیمار در سال ۱۹۶۵ در فرانسه چاپش کرد. گرن در آن کتاب به شرح نحله‌های نظری مختلف و تاریخچه‌ی آنارشیزم می‌پردازد. چند سال پیش کتاب چامسکی را ترجمه کردم که به رایگان به این نشانی در وبسایت روزگار در دسترس است: rouzgar.com/208/ برای آشنایی خواننده، مدخل کتاب را اینجا می‌آورم.

تأملاتی در باب آنارشیزم

نوآم چامسکی

نویسنده‌ی فرانسوی، سمپات آنارشیزم، در پایان سده‌ی نوزدهم می‌گوید: «آنارشیزم فحش خورش خوب است. به ورق کاغذ می‌ماند، همه چیزی را تاب می‌آورد، حتا آن چیزها که کارشان چنان است که دشمن سوگند خورده‌ی آنارشیزم هم بهتر از آنها نمی‌تواند عمل کند.»^[۱] همه نوع اندیشه و کنشی را «آنارشیستی» قضاوت کرده‌اند. بیهوده خواهد بود اگر بگویم همه‌ی این گرایش‌ها را تحت یک نظریه‌ی عمومی یا یک ایدئولوژی گرد آوریم. حتا اگر مانند دانیل گرن در آنارشیزم^[۲] اش تاریخ اندیشه‌ی لیبرتری را سنت زنده‌ی در تکامل دائمی در نظر بگیریم، فرموله کردن این آموزه تحت یک نظریه‌ی خاص و مشخص از جامعه و تغییر اجتماعی مشکل خواهد بود.

تاریخدان آنارشیست آلمانی، رودلف روکر، که مفهومی نظام‌مند از تکامل اندیشه‌ی آنارشیستی ارائه داده، در خطی شبیه با اثر دانیل گرن، راه درستی پیشه کرده وقتی می‌نویسد که «آنارشیزم نظامی متصلب و بسته در خود نیست بلکه بیشتر روند تعریف شده‌ی از تکامل تاریخی نوع بشر است که با سرپیچی از نظارت روشنفکرِ اعمال شده از طرف همه‌ی نهاد‌های مذهبی و دولتی، می‌کوشد تا پیشرفت آزاد تمامی انرژی‌های فردی و اجتماعی زندگی را بارآور کند.» او می‌افزاید «خود آزادی چیزی نیست مگر مفهومی نسبی، چراکه مدام گرایش دارد تا به روش‌های مختلف جنبه‌ها و زوایای هرچه بازتری را بگشاید و آنها را لمس کند. بعد هم اینکه آزادی برای آنارشیست‌ها مفهوم فلسفی مجردی نیست، آزادی برای آنها تحقق امکان شکوفایی کامل نیروها، ظرفیت‌ها و استعدادهایی است که طبیعت در نهاد هر فرد انسانی نهاده و تحقق امکان تغییر آنها به واقعیت اجتماعی است. هرچه این تعادل طبیعی کمتر تحت تأثیر قیوموت مذهبی یا سیاسی باشد، شخصیت بشری کامل‌تر و شکوفاتر شده، به جامعه‌ی بی که در آن شکل گرفته است ابعاد فرهنگی متنوع‌تری می‌بخشد.»^[۳] می‌توان پرسید که حالا ارزش مطالعه‌ی «روند تعریف شده‌ی از تکامل تاریخی نوع بشر» که نظریه‌ی اجتماعی مشخص و دقیقی ندارد در چیست؟ در واقع بسیاری از شارحان، آنارشیزم را رد می‌کنند چون آرمانشهری است، ساختارمند نیست، بدوی است یا چونکه ویژگی‌های دیگری دارد که آن را به هر حال نامنطبق با واقعیت جامعه‌ی پیچیده جلوه می‌دهد.

اما می‌توان به روش دیگری استدلال کرد و این واقعیت را در نظر گرفت که در هر دوره‌ی تاریخی مشکل اصلی ما از بین بردن شکل‌های اتوریته و سرکوب بوده که هر بار با توجیهاتی از قبیل نیاز به امنیت، بقا یا پیشرفت اقتصادی استمرار و بقا یافته‌اند اما امروز نقش‌شان سنگین‌تر کردن زندگی فرهنگی و مادی است به جای آنکه آن را سبک‌تر کنند. اگر چنین می‌بود هیچ آموزه‌ی تغییر اجتماعی و هیچ مفهوم‌سازی خاص و تغییرناپذیری از اهداف چنین تغییر اجتماعی نمی‌توانست با شرایط فعلی و آتی بخواند. چه بسا درک ما از طبیعت بشری یا از توانایی‌اش برای زندگی اجتماعی چنان ابتدایی باشد که بهتر باشد به همه‌ی آموزه‌های معتبر با شک و تردید بنگریم. همچنین باید شک‌گرا بود وقتی می‌شنویم که گفته می‌شود «ضرورت بهره‌وری»، «طبیعت بشر» یا «پیچیدگی زندگی مدرن» این یا آن شکل از سرکوب یا نظم استبدادی را اقتضا می‌کند.

۱. اکتاو میربو، Octave Mirbeau

2. *L'Anarchisme*

3. Rudolf Rocker, *Anarchosyndicalism*, p. 31.



Michel Bakounine, *Œuvre complètes*, Éditions Champ
libre, Paris, 1979.

کتاب

باکونین در کمون پاریس این گونه به این شهر انقلابی ادای احترام می‌کند:

در ستایش پاریس:

«... پاریسی که اعلان می‌کند که انسان دوست و بی‌خدا است و واقعیت‌های بزرگ زندگی اجتماعی و ایمان به دانش را جایگزین افسانه‌های الهی می‌کند، که اصول آزادی، عدالت، برابری و برادری، این بنیان‌های ابدی همه‌ی اخلاق انسانی را جایگزین دروغ‌ها و ناراستی‌های اخلاق مذهبی، سیاسی و حقوقی می‌کند.»

Hommage à Paris:

"...Paris se proclamant humanitaire et athée et remplaçant les fictions divines par les grandes réalités de la vie sociale, par la foi dans la science, les mensonges et les iniquités de la morale religieuse, politique et juridique par les principes de la liberté, de la justice, de l'égalité et de la fraternité, ces fondements éternels de toute morales humaine! "

Michel Bakounine

La Commune de Paris

Éditions CNT Région parisienne

classiques



دفتر
فرنگ
رضا اسپیلی
ص ۵

1. André Breton et Benjamin Péret, *Correspondance*, 1920-1959, Gallimard, 2017.
 2. Benjamin Péret, *Les Arts primitifs et populaires au Brésil*. Photographies inédites, Éditions du Sandre, Paris, 2017.

بنژامن پره (۱۸۹۹-۱۹۵۹) شاید سیاسی‌ترین شاعر در میان سوررئالیست‌ها باشد. این از نامه‌هایش به برتون هویداست. آندره برتون در نامه‌نگاری‌هایش با ترستان تزارا و فرانسیس پیکایا او را «مرد جسور و شیفته‌ی ما سوررئالیست‌ها» توصیف کرده است. خود پره که برای پیوند زدن نوشتار خودبخودی با اندیشه‌ی بکر به جنبش سوررئالیستی پیوسته بود، خود را جست‌وجوگر «مفهوم اجتماعی شعر که امروز زیر سنگ‌فرش‌های جامعه دفن شده» می‌داند.

هنوز سی سال نداشت که شیفتگی غریبش به برزیل او را به ریودوژانیرو کشاند. وقتی در سال ۱۹۲۹ آنجا اقامت‌گزید به زودی با مردم و فرهنگ آنجا عجین شد. آن زمان جامعه‌ی فرهنگی برزیل در اوج تجربه‌ی مدرنیستی خود بود. دوره‌ی بود که اُسوالد دِ آندراده (Oswald de Andrade)، هنرمند شورشی، در مانیفست آدم‌خواری (=آنتروپوفاجی) می‌نوشت: «ما پیشتر در عصر طلایی خود، کمونیسیم داشته‌ایم، سوررئالیسم هم داشته‌ایم». یا نقاشی مانند تارسیلادُ آمارال (Tarsila do Amaral) آدم‌خواریِ دوران گذشته را در تابلوهای خود به بهترین وجهی به شیوه‌ی سوررئالیستی تصویر می‌کرد (نک. تابلوی آباپورو در زیر. آباپورو به زبان توپی، از قبایل بومی آمازون به معنی «مرد مردم‌خوار» است. نقاشی که آن موقع همسر اُسوالد دِ آندراده بود، این نقاشی را به‌عنوان کادوی تولد به او اهدا کرد). در همین زمان، شاعر برزیلی کارلوس دروموند دِ آندراده (Carlos Drummond de Andrade) در مقاله‌ی نوشت که بنژامن پره، شاعر سوررئالیست از اروپا آمده را باید به سیخ کشید و کباب کرد، چون این جنبش اساساً معتقد بود که باید اروپایی‌ها و تأثیرهایشان را «بلعید»، بلایی که پیشتر بومی‌های توپینامبا بر سر پرتغالی‌ها آورده بودند، و نگذاشت که آنها بر سپهر فرهنگی برزیل مسلط شوند. اما پره که در جست‌وجوی پیوند شعر با شورش بود، پیش از آنکه هنرمندان برزیلی کبابش کنند، دولت برزیل با اتهام «آشوب کمونیستی در نظم اجتماعی» از کشور اخراجش کرد. علت آن، ترجمه‌ی پرتغالی او از کتاب ادبیات و انقلاب، اثر لئون تروتسکی بود. او که تاب زندگی در اروپا و دوری از آمریکای لاتین یا به قول خودش دنیای نو را نداشت - در نامه‌ی به برتون، آمریکای لاتین را با نور و هنرِ هنوز بکر و بدوی‌اش، دنیای نو خطاب می‌کند - این بار به مکزیک سفر می‌کند تا بعد برای بار دوم به برزیل، کشور محبوبش، برود. آنجا زندانی می‌شود اما با کارزاری که اهل فرهنگ برزیل در حمایت از او برپا می‌کنند، در نهایت از بند رها می‌شود. در این سفر، به مطالعه‌ی هنر بومیان رو می‌آورد و برای این کار به ژرفای جنگل‌های آمازون می‌رود و با قبیله‌های بسیاری از بومیان «دیدار» می‌کند. این تجربه‌ی یکه برای او بود چرا که در سفر اول بیشتر به نقش فرهنگ سیاهان آفریقایی در فرهنگ و هنر برزیل پرداخته بود. مجموعه عکس‌های او از بومیان آمازون دیدنی هستند.

همه‌ی این اکتشاف‌های بیرونی و درونی با روح سوررئال پره و ذهنی که پس از جنگ یکم جهانی در پی بازگشت به اصل و ریشه‌های بدوی خویش بوده است هماهنگ هستند. آثار او کمابیش همزمان با اثر مهم کلود لوی-استراوس، استوهای غمگین (*Tristes Tropiques*) منتشر شدند که او هم در مطالعات انسان‌شناسانه‌ی خود متأثر از جنبش سوررئالیستی بود و با تمایز و برتر دانستن فرهنگ غربی بر فرهنگ‌های دیگر مخالف.

کتاب هنرهای بدوی و مردمی برزیل گزیده‌ی از مواد شمایل‌نگارانه‌ی پراکنده‌ی است که پره در دیدار با بومیان آمازون ساخته و پرداخته است. او در آرزوی هنری بود کامل، کودکانه، شاد و خودبخودی که اسطوره و بازی و جشن را با هم بیامیزد.

